



Designing a model of entrepreneurial university at the level of the Islamic revolution

hassan miami¹, gholamabbas shekari², aleme keikha³

Received date: 2022/11/10

Acceptance date: 2023/01/03

Abstract

The aim of the present research is to provide a model for measuring the readiness of universities to become an entrepreneurial university, adopting the Islamic revolution approach. The present study is sequential exploratory mixed research and is applied in terms of its purpose. The statistical population in the first stage of the qualitative approach includes 30 specialists and experts in the public universities in Mashhad who were selected snowball and a purposeful sampling strategy. The statistical population in the second stage of the quantitative approach includes all the faculty members of Ferdowsi University and experts in the field. In this stage, based on Cochran's formula and informed by simple random sampling strategy, a total number of 300 people were identified as the sample. Two data collection methods including library methods and field method were used in order to collect information. Finally, for the qualitative analysis, thematic and content analysis method using MAXQDA10 software was utilized. In order to test the assumptions related to the model components and test the overall research model, confirmatory factor analysis and structural equation model tests were conducted using SPSS 26 and LISREL software. The findings of the research in the qualitative phase led to the identification of two main categories (internal environment and external environment) and 8 sub-categories. Moreover, in the quantitative phase and following further investigations, it was determined that the obtained model had a good fit. The results show that in the model proposed for measuring the readiness of universities to become an entrepreneurial university with the approach of the Islamic Revolution, the components of the internal environment (with the sub-components of intra-university units, leadership and management, goals and mission of the university, organizational structure, and entrepreneurial characteristics) and the external environment (with the sub-components of laws and regulations, commercialization and relationships with industries and financial institutions) are effective.

Keywords: Entrepreneur University, Islamic Revolution level approach, entrepreneurship, relationships with industries

1 . PhD Student in Management, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran. Email: hmiami99@gmail.com

2 . Assistant professor, Department of Management, Islamic Azad University- Mashhad Branch, Mashhad, Iran (Corresponding Author)
Email: shekari.modir@gmail.com

3 . Assistant Professor of university of sistān and baluchestan Zahedan, Iran Email:aleme.keikha@entp.usb.ac.ir

تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی

حسن میامی^۱، غلامعباس شکاری^۲، عالمه کیخا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل سنجش آمادگی دانشگاه‌ها برای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی است. روش پژوهش حاضر آمیخته از نوع متوالی اکتشافی و از لحاظ هدف نیز کاربردی بوده است. جامعه آماری در مرحله اول رویکرد کیفی مشتمل بر ۳۰ نفر از متخصصین و خبرگان در دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد می‌باشد که با استفاده از روش گلوله‌برفی و قضاوتی هدفمند انتخاب گردیده‌اند و در مرحله کمی شامل کلیه اعضاء هیأت علمی دانشگاه فردوسی و متخصصین حوزه بوده که با استناد به فرمول کوکران و با انجام روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه مشخص شد. جهت گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و روش میدانی انجام شده است. در نهایت برای تحلیل کیفی از روش تجزیه و تحلیل موضوعی و محتوایی از نرم‌افزار MAXQDA10 و به‌منظور آزمون فرضیات مرتبط با اجزاء مدل و آزمون کل مدل تحقیق به ترتیب از آزمون‌های تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزارهای SPSS26 و LISREL استفاده شده است. یافته‌های پژوهش در مرحله کیفی منجر به شناسایی دو مقوله اصلی (محیط درونی و محیط بیرونی) و ۸ مقوله فرعی شد، همچنین در مرحله کمی و پس از بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص گردید مدل به‌دست‌آمده از برازش مناسبی نیز برخوردار بوده است. نتایج نشان می‌دهد که در مدل سنجش آمادگی دانشگاه‌ها برای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی مولفه‌های محیط درونی (با زیر مولفه‌های واحدهای درون دانشگاهی، رهبری و مدیریت، اهداف و رسالت دانشگاه، ساختار سازمانی و ویژگی‌های کارآفرینانه) و محیط بیرونی (با زیر مولفه‌های قوانین و مقررات، تجاری‌سازی و ارتباط با صنایع و نهادها مالی) تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: دانشگاه کارآفرین، رویکرد تراز انقلاب اسلامی، کارآفرینی، ارتباط با صنایع.

۱. دانشجوی دکترا گروه مدیریت، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. ایمیل: hmiami99@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) ایمیل: shekari.modir@gmail.com

۳. استادیار گروه مدیریت کارآفرینی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. ایمیل: aleme.keikha@entp.usb.ac.ir

مقدمه

امام خمینی (ره) در خصوص رسالت و وظایف دانشگاه‌ها می‌فرماید که دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادتمند می‌کند و دانشگاه غیراسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۵۱-۲۵۲). توجه به مؤلفه‌های حاکم در درون دانشگاه‌های برتر دنیا و نحوه ایجاد ارتباط بین مدیران دانشگاه‌ها با نهادها و ارگان‌های مختلف صنعتی و اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های روشمند و منظم در زمینه کارآفرینی توسط مدیران، پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه را ممکن می‌سازد؛ بنابراین باید گفت رسیدن به چنین افقی دوازدهمین نیست و لذا شاهره رسیدن به جامعه‌ای توانمند در حل چالش‌ها و مشکلات اجتماعی، ایجاد و گسترش دانشگاه کارآفرین با تأکید بر محورهای انقلاب اسلامی است (غفوری، ۱۳۹۷).

در سال‌های اخیر، کارکردهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دگرگون شده و نقش‌آفرینی آن‌ها به‌عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی در تغییرات اجتماعی زیست‌بوم‌های گوناگون افزایش یافته است (پیر و بنکر^۱، ۲۰۱۶؛ سانچز و بنورت^۲، ۲۰۱۸). از نظر دیرینه‌شناسی نیز با گذر زمان عملکرد نظام‌های دانشگاهی به انحای مختلف تغییر کرده و به یک نهاد مشارکتی برای توسعه اجتماعی - اقتصادی در جامعه تبدیل شده است (دالمارکو^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). با نگاهی به نسل‌های دانشگاهی، دانشگاه‌های نسل اول آموزش‌محور و مبتنی بر تربیت نیروی انسانی بودند. در ادامه بر اساس پویایی درونی و آثار بیرونی در ساختارهای دانشگاهی و علمی، انقلاب دیگری به وقوع پیوست. این انقلاب دانشگاهی در اواخر قرن ۱۹ در کشور آلمان روی داد که به دنبال آن الگوی پژوهش‌محور دانشگاه (هومبولتی^۴) به‌عنوان نسل دوم دانشگاه‌ها معرفی شدند. این دانشگاه‌ها با انجام دادن پژوهش‌های خاص تا حدودی به تحقق و برآورده ساختن نیازها و توسعه صنعتی کمک می‌کردند (عزیزی و شریف‌زاده، ۲۰۰۳). با وجود این، این دو نسل دانشگاهی بیشتر با ارائه دانش و اجرای پژوهش سروکار داشتند و کمتر با صنعت مرتبط بودند؛ لذا، موجبات شکل‌گیری نسل جدیدی از دانشگاه‌ها فراهم شد که دانشگاه نسل سوم یا کارآفرین نام‌گذاری شده و مأموریت یافتند که علاوه بر حفظ سنت‌های نسل‌های گذشته دانشگاهی (آموزش و پژوهش)، در جامعه ارزش‌آفرینی نوین نیز انجام دهند، چراکه تغییرات کمی ایجاد شده در

1 . Peer & Penker
 2 . Sanchez - Barriolengo & Benneworth
 3 . Dalmarco
 4 . Humboldt

الگوهای مالی دانشگاه‌ها کاستی‌ها و فشارهای مالی بر دانشگاه‌ها سبب به وجود آمدن تغییرات کیفی در نوآوری‌های سازمانی آن‌ها در قلمرو آموزش و پژوهش شده بود که عملاً رشد کارآفرینی را در جوامع مختلف در پی داشت (اتر ووزیز، ۲۰۱۴)؛ بنابراین، در شرایط کنونی از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود که دنباله‌رو ایده‌های جدید باشند و از شیوه‌های کارکردی فعلی خود فراتر رفته و دورنمایی به روندهای آینده نیز داشته باشند (راتن، ۲۰۱۷^۲؛ اتر ووزیز، ۲۰۱۴). اهمیت این مسئله موجب شده است که دانشگاه‌های بزرگ جهان آموزش و توسعه کارآفرینی را در دستور کار خود قرار دهند. بهترین دلیل این امر خلاصه اعلامیه جهانی درباره آموزش دانشگاهی است که در اکتبر ۱۹۹۸ زیر نظر یونسکو در شهر پاریس صادر شد و توسعه مهارت‌ها و ابتکارهای کارآفرینی در زمره دل‌نگرانی‌های دانشگاهی مدنظر قرار گرفت (دیزجی و زینی، ۲۰۱۸).

همواره این پرسش اساسی در میان دانشوران و کنشگران علمی مطرح بوده است که آیا کارآفرینی دانشگاه با مأموریت‌های سه‌گانه دانشگاه (آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی) همخوانی دارد یا خیر (کیخا، ۲۰۱۸)؟ این پرسش موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های موافق گردید (کوئیم^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). شواهد تجربی نشان می‌دهد که کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی، افزایش رقابت، اشتغال‌زایی، توسعه عدالت، کاهش فقر، افزایش درآمد ملی و حل مشکلات جامعه، دولت و بخش عمومی نقش مؤثری دارد. براین اساس، مأموریت دانشگاه‌ها نیز در بستر زمان، همگام با تحولات و دگرگونی‌های جهانی و به منظور هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصادی جوامع، دچار تحول شده و به سوی مشارکت در ایران‌نگاره کارآفرینانه در حال حرکت است. توجه به مؤلفه‌های حاکم در درون دانشگاه‌های برتر دنیا مانند مدیریت این دانشگاه‌ها و نحوه ایجاد ارتباط بین مدیران دانشگاه‌ها با نهادها و ارگان‌های مختلف صنعتی و اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های روشمند و منظم در این زمینه کارآفرینی توسط مدیران، پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه را ممکن می‌سازد؛ بنابراین باید گفت رسیدن به چنین افقی دوراز ذهن نیست و لذا شاهراه رسیدن به جامعه‌ای توانمند در حل چالش‌ها و مشکلات اجتماعی، ایجاد و گسترش دانشگاه کارآفرین با تأکید بر محورهای انقلاب اسلامی هست. در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز اهمیت موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها و خصوصاً موضوع کارآفرینی و مسئله‌محور بودن دانشگاه‌ها از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که بیان نموده‌اند، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌عنوان بازوی

1 . Etzkowitz
2 . Ratten
3 . Küttim

تحقیق و پژوهش باید راه‌گشای مسائل مشکلات جامعه باشند و مسائلی که در جامعه مطرح می‌شود در داخل دانشگاه مورد کنکاش قرار بگیرند و اساتید و نخبه‌های دانشگاهی نیز باید با اتکا به قدرت اعتمادبه‌نفس با انجام کارهای خلاقانه و نوآورانه در عرصه‌های مختلف علمی و پژوهشی وابستگی‌ها را به حداقل برسانند و با اتکا به منابع ظرفیت‌های موجود، کشور را در مسیر ترقی و پیشرفت قرار دهند. از طرفی با عنایت به بیانیه گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری، مخاطب خاص بیانیه گام دوم انقلاب جوانان پیشتاز انقلابی هستند که اکثر آن‌ها در دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل هستند که جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در مراکز دانشگاهی، این موضوع می‌تواند گام مهمی برای نقش‌آفرینی جوانان دانشجو در مسیر انقلاب باشد و همچنین این بیانات و راهکارهای مقام معظم رهبری در مورد «علم و پژوهش» به‌عنوان یک سند راهبردی در بیانیه گام دوم انقلاب می‌تواند شاه‌کلیدی باشد در دست نخبه‌های دانشگاهی و جوانان انقلابی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای دستیابی به موفقیت‌ها و فتح قله‌های دانش و ترقی و امیدآفرینی در جامعه. همچنین بیشتر تحقیقات صورت گرفته بر روی کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین از نوع تعیین شاخصه‌ای این دانشگاه، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان و از نوع ساختاری و موقعیت محیطی بوده است که به دلیل عدم توجه به معیارها و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی مورد انتقاد قرار گرفته است و کارایی کمتری داشته است؛ لذا خلأ انجام پژوهشی با در نظر گرفتن مسائل داخلی و بومی کشور نسبت به طراحی و ارائه مدلی جهت سنجش میزان آمادگی مؤسسات آموزش عالی کشور برای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین احساس می‌شود. ایجاد تحول و دگرگونی در دانشگاه‌ها به‌عنوان یک ضرورت حیاتی در مسیر توسعه از یک سو نیازمند مطالعه جامع مبانی نظری و از سوی دیگر مستلزم شناسایی دقیق تنگناها، محدودیت‌ها، نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌های موجود است. رسالت و مأموریت سنتی دانشگاه نه تنها مشکلات موجود را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه موجب ایجاد بحران‌های جدیدی خواهد شد که ضرورت ایجاد تغییرات اساسی در برنامه‌ها، مدیریت و رهبری دانشگاه‌ها را الزامی می‌کند. پژوهش فوق بر آن است تا این خلأ را پر کند و با شناسایی عوامل زیربنایی و شکل‌دهنده دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی، مؤسسات کشور را در جهت تبدیل شدن به یک دانشگاه کارآفرین و نوآور یاری نماید. گرچه مطالب فوق ضرورت‌های اساسی اجرای این طرح را نشان می‌دهد، لیکن به‌منظور بیان دقیق‌تر ضرورت و اهمیت کاربردی این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

❖ انجام رسالت‌های دانشگاه بدون توجه به معیارهای انقلاب اسلامی نه تنها مشکلات موجود را کاهش نمی‌دهد. بلکه موجب ایجاد بحران‌های جدیدی خواهد شد که ضرورت ایجاد تغییرات اساسی در برنامه‌ها و مدیریت و رهبری دانشگاه‌ها و نگاه ویژه به الگوهای انقلاب اسلامی را الزامی می‌نماید.

❖ گسترش مفهوم کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت در کلیه زمینه‌های تولیدی و خدماتی، دانشگاه‌ها را ملزم به توجه دقیق به مفهوم کارآفرینی با توجه به الگوهای انقلاب اسلامی نموده است.

❖ دانشگاه‌ها برای حفظ موقعیت برتر خود در تولید، توزیع و انتشار دانش ناگزیر از پذیرش مفهوم کارآفرینی در آموزش دانشجویان، انجام پژوهش‌های نیاز محور و کاربردی و پاسخگویی دقیق به نیازهای مشاوره تخصصی هستند.

❖ بحث کارآفرینی در دانشگاه‌ها تاکنون بیشتر بر جنبه‌های آموزش و ترویج این مفهوم تأکید داشته و ایجاد دانشگاه کارآفرین در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیازمند ارائه چهارچوب مفهومی دقیق است که از طریق مطالعات جامع و انجام پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای امکان‌پذیر خواهد شد. از طرفی جهانی‌شدن بازارها، تشویق و پشتیبانی از کارآفرینی در کشورها را به‌عنوان امری ضروری ساخته است؛ لذا مسئله اصلی این تحقیق شناسایی مؤلفه‌های اصلی دانشگاه کارآفرین با تأکید بر رویکردهای تراز انقلاب اسلامی است.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

الگوی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی چگونه است؟

سؤالات فرعی

۱- مؤلفه‌های الگوی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی کدام‌اند؟

۲- آیا الگوی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی از برآزش مناسب برخوردار است؟

پیشینه پژوهش

زمانی و خلج (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان دانشگاه پیام‌نور و افق آموزش ترکیبی در آینده یافته‌های خود را این‌گونه بیان کردند که در سال ۱۳۹۶ به‌منظور اصلاح روش‌های مدیریتی و چابک‌سازی تصدی‌گری و ایجاد تشکیلات و ساختار جدید

به صورت منطقه‌ای و در راستای تحقق بند یکم برنامه عملیاتی راهبرد یازدهم سند برنامه راهبردی دانشگاه پیام‌نور در افق ۱۳۹۹-۱۴۱۹ ساماندهی مراکز، واحدها و رشته‌های تحصیلی دانشگاه در دستور کار قرار گرفت. در فاز اول طرح، ۱۶۰ واحد از ۴۹۰ واحد موجود در دانشگاه ساماندهی شده است و با تبدیل بخش‌های علمی به دانشکده‌ها، رشته‌های تحصیلی نیز ساماندهی شده‌اند. طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ دانشگاه تلاش کرده که پژوهش‌ها را به سمت کاربردی و کارآفرینی و خلاقیت سوق دهد. تأسیس چندین مرکز رشد، مرکز نوآوری و خلاقیت در استان‌های مختلف نشان از جهت‌گیری دانشگاه به سمت دانشگاه‌های کارآفرین دارد. تقویت بستر الکترونی و استفاده بهینه از امکانات موجود برای بهبود فرایند تولید محتوا و نیز انجام آزمون‌های الکترونی از جمله اولویت‌های دانشگاه است که در طول سه سال گذشته همواره مورد توجه بوده است. برنامه راهبردی دانشگاه پیام‌نور در توسعه آموزش الکترونیکی در سه حوزه فناوری، آموزش و سازمانی در حال انجام است. توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز؛ توسعه ابزارهای آموزشی مدرن و مبتنی بر فناوری‌های نوین؛ ایجاد ساختارهای سازمانی متناسب و نیروی انسانی آموزش‌دیده؛ تولید محتوای الکترونیکی به‌روز، پویا و متناسب با نیاز؛ تأمین منابع مالی و شخصی‌سازی آموزش بخشی از چشم‌انداز آموزش الکترونیکی دانشگاه پیام‌نور است.

نامجو (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان مروری بر انقلاب اسلامی و دانشگاه کارآفرین یافته‌های خود را این گونه بیان کردند که دانشگاه کارآفرین باید توانایی ابداع، تشخیص و ایجاد فرصت‌ها، کارگروهی و پاسخ به چالش‌های پیشرو را داشته و درصدد ایجاد تغییر ذاتی در مشخصه سازمانی باشد. دانشگاه نسل سوم باید قادر باشد پژوهش و دانش موجود را به راه‌حل‌هایی تبدیل کند که هم وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی را بهبود بخشد و از مشکلات ناکارآمدی، تبعیض نژادی، نابرابری بکاهد. دانشگاه کارآفرین خود تماماً ۰ یک آزمایشگاه بزرگ برای آزمون و سنجش انواع فرضیه‌های مدیریتی، آموزشی، پژوهشی، تولیدی و عملیاتی است. متأسفانه در بحث کارآفرینی و کارآمدی نگاه‌ها فقط معطوف به بازار کار داخل است و توجهی به بازار کار بین‌المللی وجود ندارد. خدای تعالی در کتاب آسمانی تأکید می‌کند: مؤمنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها، از جمله وابستگی اقتصادی، رهایی بخشند. توسعه رشته‌های دانش‌بنیان، و کارآفرینی در نظام آموزش عالی باید بر اساس مبانی فکری نظام اسلامی و آموزه‌های دینی و عدم اعتماد و اتکا بر بیگانگان باشد. در آموزش عالی دانشگاه‌ها سند

راهبردی پژوهشی شفاف‌ی که راهنمای اساتید و دانشجویان قرار گیرد وجود ندارد؛ بنابراین هدف‌گذاری و تدوین راهبردهای مشخص در این زمینه باید مورد توجه سیاست‌گذاران دانشگاه کارآفرین قرار گیرد.

اشتهدادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان "رهبری و حکمرانی دانشگاه کارآفرین در ایران" بیان نمودند که یکی از محورهایی که نیاز است در دانشگاه کارآفرین مدنظر قرار گیرد رهبری و حکمرانی است. نتایج نشان دادند که در بین پنج دانشگاه مورد بررسی تنها در دانشگاه امیرکبیر می‌توان جایگاه کارآفرینی را در راهبرد دانشگاه به‌وضوح مشاهده کرد. در هیچ یک از دانشگاه‌های مورد بررسی، هنوز سند راهبرد کارآفرینی به مرحله اجرایی نرسید. در دانشگاه امیرکبیر، مرکز توسعه فناوری و نوآوری، یک سازمان مدیریتی است که مسئول هماهنگی و یکپارچگی فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاه است. در دانشگاه کاشان، صنعتی شریف و علامه طباطبایی این مسئولیت به ترتیب به شورای فناوری، شورای مدیران پژوهش و کمیته کارآفرینی و هدایت شغلی دانشگاه تفویض شد. خودمختاری و استقلال عمل دانشکده‌ها و واحدهای دانشگاه در دانشگاه‌های مورد مطالعه بسیار محدود بودند. از بین دانشگاه‌های مورد بررسی تنها در دو دانشگاه شهید بهشتی و علامه در خصوص عقد قرارداد، این تفویض اختیار صورت گرفت. همچنین، پیوند اهداف کارآفرینی با راهبرد بین‌المللی دانشگاه، موضوعی بود که کمتر مورد توجه دانشگاه‌ها قرار گرفت.

منصوری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان "ارائه مدلی جامع از عوامل مؤثر بر تحقق دانشگاه کارآفرین در کشور" بیان نمودند که علی‌رغم اهمیت فعالیت دانشگاه‌های کارآفرین در کشور، امروزه بیشتر دانشگاه‌ها در نسل دوم دانشگاهی یعنی دانشگاه‌های پژوهش‌محور قرار داشته و فعالیت چندانی در راستای تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی، تربیت افراد کارآفرین و در نتیجه تبدیل به نسل سوم دانشگاهی یعنی دانشگاه‌های کارآفرین ندارند. روشن است که تحقق دانشگاه کارآفرین مستلزم شناسایی و استخراج مولفه‌های مؤثر بر خلق دانشگاه کارآفرین و ایجاد زیرساخت‌های کارآفرینانه لازم با توجه به مولفه‌های استخراج شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا حاکی از آن بودند که عوامل مؤثر بر تحقق دانشگاه کارآفرین در هفت تم اصلی (عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل فردی، عوامل ساختاری، عوامل مالی، عوامل مدیریتی و عوامل ارتباطی و تجاری‌سازی) مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین نتایج حاصل از پیاده‌سازی روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری نشان دادند که بر اساس مدل جامع ارائه شده عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل فردی و عوامل سازمانی عواملی هستند که بیشترین میزان

تأثیر‌گذاری را داشته و به‌عنوان زیربنای مدل شناخته می‌شود. همچنین عوامل مدیریتی، ارتباطی و تجاری‌سازی و عوامل آموزشی در سطح اول کمترین میزان تأثیر‌گذاری و بیشترین میزان اثرپذیری را دارند.

دهقانی قهفرخی و اخروی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان "شناسایی شاخص‌های دانشگاه کارآفرین به‌عنوان نسل سوم دانشگاه‌ها" بیان نمودند که نظام‌های علم در سطح جهان از دیرباز و هماهنگ با تغییرات اجتماعی و اقتصادی کشورها، در حال تغییر و تحول بودند، اما در دهه‌های اخیر با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد، ارتباط متقابل اقتصاد با فناوری و اینکه نوآوری، مؤلفه اساسی رقابت‌پذیری صنعتی و قدرت اقتصادی شناخته می‌شود، هم‌زمان با سرعت تغییرات علمی و نیز وابستگی فزاینده توسعه صنعتی به دانش، نظام علمی و دانشگاهی با تغییرات اساسی در محیط اجتماعی اقتصادی خود و نحوه ارتباط با جامعه مواجه شده و انتظارات جامعه از این نظام تغییر و افزایش یافته است. با توجه به اینکه هم‌انگیزه پیشرفت و هم‌کارآفرینی قابل‌آموزش و یادگیری بوده، و با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌توان انگیزه پیشرفت دانشجویان را بالا برد و در نتیجه روحیه کارآفرینی را در آنها تقویت کرده و در نهایت دانش‌آموختگان را به سمت کارآفرینی سوق داد، هدف تحقیق آن بود تا با بررسی ادبیات موجود، مفاهیم و ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین، زمینه‌های پیدایش آن و نحوه تحول دانشگاه کارآفرین را مورد بررسی قرار دهد.

بولدورینو و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی در زمینه آموزش کارآفرینی از طریق مدل‌های کارآفرینی موفق در مؤسسات آموزش عالی انجام دادند. یافته‌های آنها تأکید کردند که اگر مربیان می‌خواهند کارایی آموزش و پرورش متمرکز بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی را بهبود بخشند، برنامه‌های تحصیلات تکمیلی باید متفاوت برای دانشجویان تجاری و غیرتجاری طراحی شوند، زیرا مطالعه داستان‌های کارآفرینی موفق تأثیر متفاوتی بر این دو گروه دارد.

در مطالعه‌ای اوکتی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی آموزش الگوی دانشگاه کارآفرینی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان پرداختند. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین مولفه‌های دانشگاه کارآفرینی و دانشگاه آزاد اسلامی در مدل ارائه شده وجود دارد ($p < 0/05$). (p) به نظر می‌رسد برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی سیستان و بلوچستان، اصلاحات زیرساختی نهادی و نوآوری‌های نهادی لازم است که توسط همه اعضای دانشگاه برای ارتقای فرهنگ سازمانی کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد.

کلافستن و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان "دانشگاه کارآفرین محرک رشد اقتصادی و اجتماعی" به بررسی استراتژی های کلیدی برای کارآفرین شدن دانشگاه پرداختند. در این مطالعه فاکتورهای درونی، گذرگاه های کارآفرینی، فاکتورهای بیرونی، آموزش و یادگیری کارآفرینی به عنوان عوامل مؤثر بر تحقق دانشگاه کارآفرین شناخته شدند.

دلمارکو و همکاران (۲۰۱۸) در راستای بررسی مولفه های مؤثر در ایجاد دانشگاه کارآفرین در مطالعه ای تحت عنوان "خلق دانشگاه کارآفرین در اقتصاد نوظهور" ابعاد پنج گانه دیدگاه کارآفرینی شامل دسترسی به لینک های خارجی، دسترسی به منابع دانشگاهی، آرایش نوآوری و تحقیق علمی را مدنظر قرار داده اند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که کیفیت آموزشی کارآفرینی علاوه بر داشتن ارتباط نزدیک با تحقیقات کاربردی، دانشگاهیان را تشویق کرده تا برنامه های تجاری خود را به استارت آپها تبدیل نمایند.

بارال و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر محیط دانشگاه بر تمایل به کارآفرینی در دانشگاه های خصوصی و عمومی" به شناسایی تفاوت محیط دانشگاه های خصوصی و عمومی و تأثیر آن بر تمایل به کارآفرینی پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه مذکور نشان داد که دانشجویان دانشگاه های خصوصی تمایل بیشتری به کارآفرینی دارند.

ادبیات نظری دانشگاه کارآفرین

دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که به دانشجویان آموزش کافی بدهد تا آنها کارآفرین شوند، در دانشگاه ساختار کارآفرینانه ایجاد کنند و در دانشگاه و جامعه فرهنگ کارآفرینانه را رواج دهد، همچنین دانشگاه کارآفرین در بین اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان نگرش های کارآفرینانه ایجاد می کند و مهارت های کارآفرینی را در بین آنها پرورش می دهد (صادقی و همکاران، ۲۰۱۸). با نگاهی به نسل های دانشگاهی، دانشگاه های نسل اول آموزش محور و مبتنی بر تربیت نیروی انسانی بودند. در ادامه بر اساس پویایی درونی و آثار بیرونی در ساختارهای دانشگاهی و علمی، انقلاب دیگری به وقوع پیوست. این انقلاب دانشگاهی در اواخر قرن ۱۹ در کشور آلمان روی داد که به دنبال آن دانشگاه های پژوهش محور همبولتی (به عنوان نسل دوم دانشگاه ها معرفی شدند. این دانشگاه ها با انجام دادن پژوهش های خاص تا حدودی به تحقق و برآورده ساختن نیازها و توسعه صنعتی کمک می کردند (عزیزی و شفیق زاده، ۲۰۱۶).

با وجود این، این دو نسل دانشگاهی بیشتر با ارائه دانش و اجرای پژوهش سروکار داشتند و کمتر با صنعت مرتبط بودند (گیب، ۲۰۱۲). در ادبیات نظری، تعاریف مختلفی برای دانشگاه کارآفرین وجود دارد؛ از جمله: تجاری‌سازی دانش (اتزکوویتز، ۲۰۰۰، ۲۰۱۴)، ارتباط با صنعت (اتزکوویتز، ۲۰۰۳)، جستجو برای منابع مالی (اتزکوویتز و همکاران، ۲۰۰۰)، تولید و به کارگیری دانش (اتزکوویتز، ۲۰۰۳، ۲۰۱۳) و مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای (اتزکوویتز، ۲۰۰۳).

کلارک چنین استدلال کرد که پدیده دانشگاه کارآفرین، چندبعدی و شامل تمام سطوح دانشگاه از جمله آموزش و پژوهش و خدمات است. دیدگاه کلارک (۱۹۹۸) در بحث‌های اخیر در خصوص پیچیدگی نقش دانشگاه در ظهور جامعه کارآفرین، حمایت بیشتری به دست آورده است. کلارک نخستین بار سال ۱۹۹۸ عبارت دانشگاه کارآفرین را در پاسخ به نبود قطعیت و چالش‌های روبه‌رشد جهان کنونی مطرح کرد. وی در مطالعات طولی و گسترده خود، در جستجوی فهم این مسئله بود که چگونه پنج دانشگاه اروپایی در پنج موقعیت متفاوت و در کشورهای مختلف توانسته‌اند ویژگی‌های خود را چنان تغییر دهند که بتوانند خود را با تغییرات سازگار سازند و به این نتیجه رسید که دانشگاه‌ها در مسیر تحول به سمت سازگاری با محیط بیرونی و تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین، به پنج مؤلفه اساسی نیاز دارند: هسته رهبری قوی، توسعه محیط سازمانی، متنوع‌سازی منابع مالی دانشگاه، هسته فنی قوی و ایجاد فرهنگ کارآفرینی. چارچوب دانشگاه کارآفرین که توسط اتزکوویتز (۲۰۰۴) توسعه یافت، مبتنی بر ایده مارپیچ سه گانه است و نوآوری را به‌عنوان یکی از بردارهای محرک روابط بین دانشگاه، دولت و صنعت تأیید می‌کند. به گفته وی، یکی از ویژگی‌های اصلی دانشگاه کارآفرین، تجاری‌سازی نتایج تحقیقات از طریق ایجاد ساختارهای ترکیبی با دولت و صنعت است. (اتزکوویتز، ۲۰۱۴).

رویکرد تراز انقلاب اسلامی

رویکرد تراز انقلاب اسلامی به این مفهوم است که چشم‌انداز علمی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، منشور انقلاب، دکترین نیروهای علمی، جهادی و انقلابی در مسیر پیشرفت ملت مسلمان ایران و با توجه به معیارهای انقلاب اسلامی قرار داشته باشد و تلاش مضاعف برای تحقق این آرمان‌های بلند را وظیفه شرعی، اخلاقی و قانونی خود به شمار آوریم. در رویکرد تراز انقلاب نبایستی دل در غرب داشت و یا نگاه به شرق دوخت بلکه بایستی راهکاری برای انسان‌سازی و تداوم انقلاب اسلامی در

جهت رشد و توسعه و تدوین برنامه‌های مدون برای آینده کشور باتوجه به شاخص‌های انقلاب اسلامی داشت (امیدوار، ۱۳۹۶). در سال‌های اخیر، در کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه علاوه بر اینکه مباحث کارآفرینی به حیطه‌ی تعلیم و تربیت کشیده است، دانشگاه‌ها نیز مراکز کارآفرینی و دانشکده‌هایی بدین منظور تأسیس نموده‌اند. شاهره رسیدن به جامعه‌ای توانمند در حل چالش‌ها و مشکلات اجتماعی، ایجاد و گسترش دانشگاه کارآفرین با تأکید بر شایستگی‌های مدیران است. از طرف دیگر مقام معظم رهبری به‌عنوان تدوین‌کننده استراتژی‌های کلی کشور در سالیان متمادی گذشته بر اقتصاد مقاومتی و استفاده از توانایی و دانش داخلی برای حل معضلات و مسائل کشور تأکید بسیاری نموده‌اند که بسیاری از این معضلات در سایه حرکت به سمت دانشگاه کارآفرین رفع می‌گردند (حسینی و همکاران، ۲۰۱۸).

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی است و با مبتنی بر روش پژوهش آمیخته انجام شده است. از منظر زمانی هم در دسته پژوهش‌های پیمایشی - مقطعی قرار دارد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل ۳۰ نفر از متخصصین و خبرگان (مدیران دانشگاهی، متخصصان رشته‌های مدیریت و کارآفرینی) در دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد (دانشگاه فردوسی و دانشگاه پیام‌نور) است که با استفاده از روش گلوله‌برفی و قضاوتی هدفمند انتخاب گردیده‌اند. ملاک انتخاب خبرگان معیارهایی از قبیل سوابق مدیریتی، تسلط نظری، سوابق تدریس، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. در بخش کمی برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده می‌گردد که بر اساس آن حجم نمونه آماری عبارت است از ۳۰۰ نفر از اعضاء علمی دانشگاه‌های دولتی شهر مشهد (دانشگاه فردوسی و دانشگاه پیام‌نور) که به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش مصاحبه و پرسش‌نامه است. در این پژوهش جهت روایی مصاحبه‌ها شاخص CVI با همکاری ۳۰ متخصص بررسی شده است. به طوری که برای (N=30) حداقل میزان CVR قابل قبول بر اساس تعداد خبرگان ۰,۳۳ است. باتوجه به اینکه ضریب نسبی محتوایی همه مضامین استخراج شده بالاتر از ۰,۷، به دست آمد، می‌توان نتیجه گرفت از نظر همه ارزیابان همه مضامین حائز اهمیت تشخیص داده شده‌اند. برای تشخیص پایایی از بین روش‌های موجود از ضریب هولستی استفاده شد که ضریب هولستی به دست آمده ۰,۸۹۰ است و نشان‌دهنده پایایی قابل قبول و توافق در همسانی رمزگذاری است. جهت

بررسی اعتبار عاملی متغیرهای اصلی پژوهش و خرده مقیاس‌های آن از شیوه تحلیل عاملی تأییدی و تکنیک‌های اعتبار همگرا (شاخص AVE) استفاده گردید. پایایی ابزار متغیرهای اصلی پژوهش و مولفه‌های آن از تکنیک‌های ضریب آلفای کرونباخ و قابلیت اعتماد ترکیبی استفاده گردید. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون، مقوله‌های اصلی و فرعی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی شناسایی شد. برای تحلیل مضمون از نرم‌افزار MaxQDA استفاده شده است. جهت محاسبه شاخص‌های فوق از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور و نرم‌افزار لیزرل استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

تحلیل مضمون

تحلیل مضمون یکی از روش‌های پرکاربرد در پژوهش‌های کیفی است. تحلیل محتوای کیفی عبارت است از مجموعه‌ای از تکنیک‌هایی که برای تحلیل نظام‌مند متن مصاحبه‌های پژوهشی استفاده می‌شود. ایده اصلی فرایند تحلیل محتوا، حفظ مزایای تحلیل محتوای کمی همگام کیفی تحلیل‌ها است. به طور خلاصه می‌توان گفت هدف از پژوهش کیفی افزایش درک و فهم ما از این موضوع است که مقوله موردنظر از چه عوامل اصلی تشکیل شده و برای سنجش این عوامل از چه شاخص‌هایی (عوامل فرعی) باید استفاده کرد. در این تحقیق نیز، مقوله اصلی مورد مطالعه دانشگاه‌های کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی برای این منظور ابتدا مصاحبه‌های تخصصی ساخت‌یافته و نیم ساخت‌یافته با خبرگان امر انجام شده است. پس از دستیابی به اشباع نظری، دیدگاه خبرگان در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی دسته‌بندی و مدل اولیه پژوهش ارائه شده است.

کدهای به‌دست آمده از منابع و مصاحبه‌ها

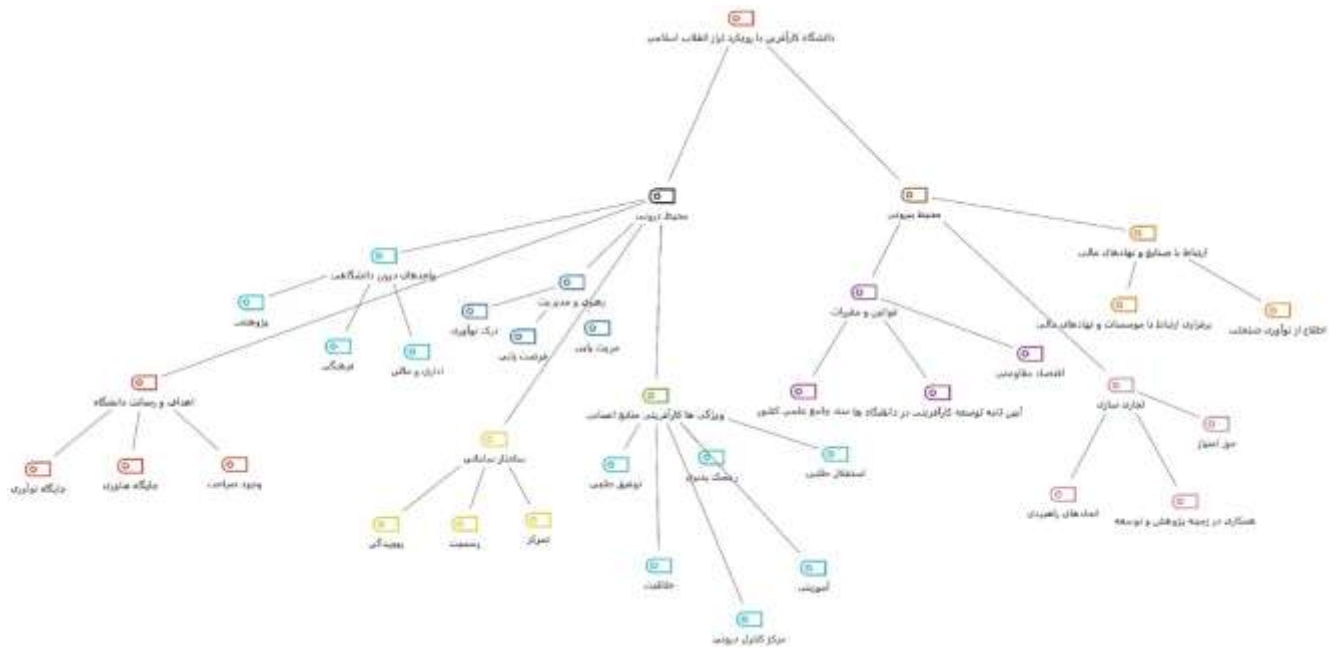
در مصاحبه‌های صورت گرفته، درباره الگوی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی از خبرگان سؤال‌هایی پرسیده شد، همچنین پژوهشگر به مطالعه منابع مختلفی در خصوص موضوع پژوهش پرداخته است. در نهایت همه داده‌ها وارد نرم‌افزار MAXQDA شدند و جداول فراوانی آن‌ها و خروجی نهایی در جدول ۱ و نمودار ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: کدها و مقوله‌های به‌دست‌آمده دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای اولیه	فراوانی کدها
محیط درونی	واحدهای درون دانشگاهی	پژوهشی	۱
		فرهنگی	۱
		اداری و مالی	۱
	رهبری و مدیریت	مزیت‌یابی	۳
		فرصت‌یابی	۳
		درک نوآوری	۴
	اهداف و رسالت دانشگاه	وجود صراحت	۲
		جایگاه فناوری	۴
		جایگاه نوآوری	۴
	ساختار سازمانی	تمرکز	۴
		رسمیت	۲
		پیچیدگی	۲
		استقلال‌طلبی	۱
		ریسک‌پذیری	۱
	ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی	آموزش	۵
مرکز کنترل درونی		۲	
خلاقیت		۵	
توفیق‌طلبی		۲	
اقتصاد مقاومتی		۴	
محیط بیرونی	قوانین و مقررات	آیین‌نامه توسعه کارآفرینی در دانشگاه ها	۵
		سند جامع علمی کشور	۵
		حق امتیاز	۴
	تجاری‌سازی	همکاری در زمینه پژوهش و توسعه	۵
		اتحادهای راهبردی	۴
	ارتباط با صنایع و نهادهای مالی	اطلاع از نوآوری صنعتی	۴
		برقراری ارتباط با مؤسسات و نهادهای مالی	۴

نمودار زیر نقشه مفهومی به‌دست‌آمده برای متغیرهای پژوهش است که بر اساس خروجی نهایی نرم‌افزار مکس کیودا نشان

داده شده است.



شکل ۱: نقشه مفهومی عوامل مؤثر بر ایجاد دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی

تحلیل عاملی پرسش نامه دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی

دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی - محیط درونی و بیرونی

زیرمقوله‌ها و معرف‌های مربوط به مقوله اصلی "عوامل محیط درونی و بیرونی" به شرح جدول ۲ است:

جدول ۲: زیرمقوله‌ها و معرف‌های عوامل محیط درونی و بیرونی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی

معرف	شماره گویه	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
پژوهشی	AV1	واحدهای درون دانشگاهی	محیط درونی
فرهنگی	AV2		
اداری و مالی	AV3		
مزیت یابی	AR1	رهبری و مدیریت	
فرصت‌یابی	AR2		
درک نوآوری	AR3		
وجود صراحت	AH1	اهداف و رسالت دانشگاه	
جایگاه فناوری	AH2		

جایگاه نوآوری	AH3		محیط بیرونی
تمرکز	AS1	ساختار سازمانی	
رسمیت	AS2		
پیچیدگی	AS3		
استقلال طلبی	AK1	ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی	
ریسک پذیری	AK2		
آموزش	AK3		
مرکز کنترل درونی	AK4		
خلاقیت	AK5		
توفیق طلبی	AK6		
اقتصاد مقاومتی	AG1	قوانین و مقررات	
آیین نامه توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها	AG2		
سند جامع علمی کشور	AG3		
حق امتیاز	AT1	تجاری سازی	
همکاری در زمینه پژوهش و توسعه	AT2		
اتحادهای راهبردی	AT3		
اطلاع از نوآوری صنعتی	AE1	ارتباط با صنایع و نهادهای مالی	
برقراری ارتباط با مؤسسات و نهادهای مالی	AE2		

برآوردهای مربوط به این مدل شامل شاخص‌های اعتبار پایایی و پارامترهای اصلی (بارهای عاملی، زیرمقوله‌ها و معرف‌ها) در

جدول ۳ و ۴ گزارش شده است:

جدول ۳: شاخص‌های ارزیابی اعتبار و پایایی ابزار زیرمقوله‌های عوامل محیط درونی و بیرونی

پایایی		اعتبار همگرا	زیرمقوله
پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	AVE	
۰,۷۳۸	۰,۷۳۴	۰,۶۴۶	واحدهای درون دانشگاهی
۰,۷۳۰	۰,۷۸۶	۰,۶۸۸	رهبری و مدیریت
۰,۸۲۲	۰,۸۳۲	۰,۵۴۶	اهداف و رسالت دانشگاه
۰,۷۵۴	۰,۷۵۲	۰,۵۱۴	ساختار سازمانی
۰,۸۱۸	۰,۸۰۵	۰,۵۳۳	ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی
۰,۸۷۵	۰,۸۷۲	۰,۵۸۷	قوانین و مقررات
۰,۷۴۹	۰,۷۴۲	۰,۶۹۵	تجاری سازی
۰,۸۶۷	۰,۸۷۲	۰,۵۴۰	ارتباط با صنایع و نهادهای مالی

بر حسب مقادیر جدول ۳ شاخص مربوط به اعتبار همگرا و ممیز در مجموع دلالت بر این موضوع دارند که اعتبار همگرا و ممیز

زیرمقوله‌های "عوامل محیط درونی و بیرونی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی" در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

مقادیر مربوط به ضریب آلفای کرونیخ و قابلیت اعتماد ترکیبی نشان‌دهنده دقت اندازه‌گیری بالای ابزار زیرمقوله‌های "مدل دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی" و در نتیجه پایا یا قابل اعتماد بودن این ابزار است.

جدول ۴: مقادیر بارهای عاملی زیرمقوله‌ها و معرف‌های عوامل محیط درونی و بیرونی دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	بار عاملی	مقدار بحرانی	P	معرف	بار عاملی	مقدار بحرانی	P
محیط درونی	اهداف و دستاوردهای درون دانشگاهی	AV1	۰/۹۸	۵/۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۴	۰/۸۳
		AV2	۱	۵/۳۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۴	۰/۸۳
		AV3	۱	۵/۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۴	۰/۸۳
	رهبری و مدیریت	AR1	۰/۷۲	۵/۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۲۴	۰/۷۲
		AR2	۱/۱۷	۴/۴۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۲۴	۰/۷۲
		AR3	۰/۸۸	۶/۲۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۲۴	۰/۷۲
	اهداف و رسالت دانشگاه	AH1	۰/۹۸	۶/۲۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۲/۲۳	۰/۸۳
		AH2	۰/۹۷	۳/۶۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۲/۲۳	۰/۸۳
		AH3	۱/۰۳	۴/۲۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۲/۲۳	۰/۸۳
	ساختار سازمانی	AS1	۰/۹۹	۴/۱۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۱۲	۰/۷۷
		AS2	۱	۵/۵۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۱۲	۰/۷۷
		AS3	۰/۹۸	۳/۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۱۲	۰/۷۷
ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی	AK1	۰/۵۶	۴/۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۶/۵۴	۰/۷۱	
	AK2	۰/۹۹	۳/۵۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۶/۵۴	۰/۷۱	
	AK3	۱	۵/۰۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۶/۵۴	۰/۷۱	
	AK4	۰/۹۹	۴/۹۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۶/۵۴	۰/۷۱	
	AK5	۰/۹۸	۵/۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۶/۵۴	۰/۷۱	
	AK6	۱/۰۳	۴/۴۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۶/۵۴	۰/۷۱	
قوانین و مقررات	AG1	۱	۵/۴۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۲۵	۰/۸۱	
	AG2	۰/۸۱	۵/۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۲۵	۰/۸۱	
	AG3	۱	۴/۱۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۲۵	۰/۸۱	
تجاری سازی	AT1	۰/۵۷	۴/۱۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۸/۴۵	۰/۷۳	
	AT2	۰/۹۷	۵/۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۸/۴۵	۰/۷۳	
	AT3	۱/۰۳	۵/۴۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۸/۴۵	۰/۷۳	
صنایع و نهادهای مالی	AE1	۰/۸۷	۴/۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۰/۵۵	۰/۷۲	
	AE2	۰/۹۲	۳/۹۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۰/۵۵	۰/۷۲	

برازش مدل ساختاری پژوهش

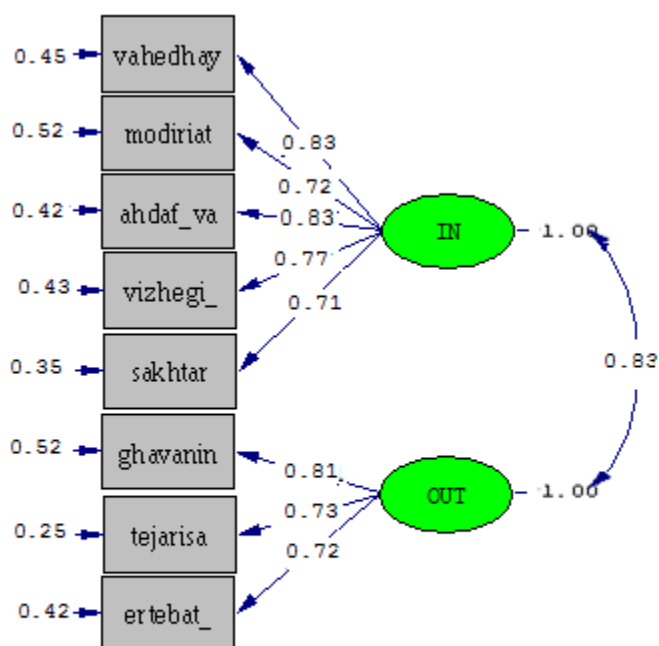
شاخص‌های جدول ۵ نشان از برازش مدل دارند؛ برازندگی مدل نهایی پژوهش با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از شاخص‌های برازش مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که بر خلاف مدل‌های رگرسیونی صرفاً بر اساس یک شاخص واحد امکان اظهار نظر درباره برازندگی مدل وجود ندارد. شاخص‌های زیر مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که در برازش مدل باید به آنها توجه کرد. جدول ۵ شاخص‌های برازش مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل پژوهش

p- value	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	شاخص‌های برازش
<0.05	>0.9	>0.9	>0.9	<0.08	1-5	مقدار مطلوب
۰,۰۵۱۶	۰,۹۲	۰,۹۱	۰,۹۴	۰,۰۶	۳,۴۸	مقدار به دست آمده مدل

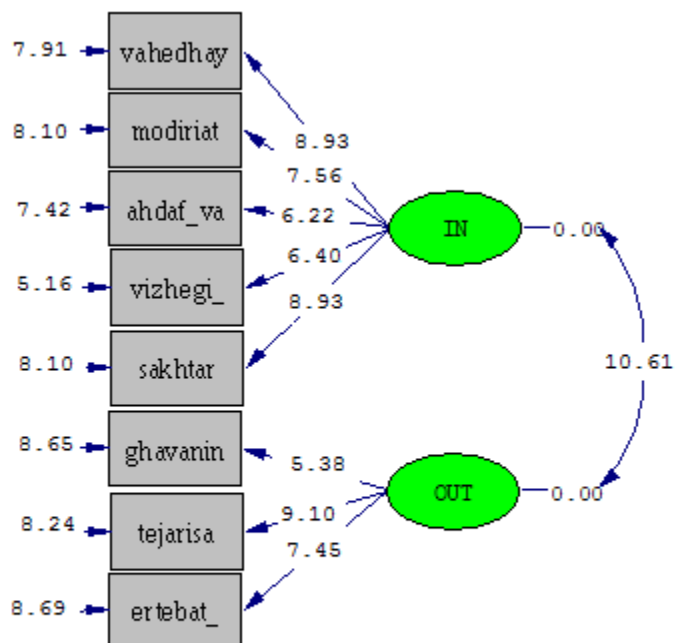
نتایج جدول نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

مدل مفهومی پژوهش در نمودار ۱ ترسیم گردید، روابط بین آنها مشخص شد و معادلات ساختاری اجرا شد. نمودار ۱ مدل اولیه برازش شده و شکل ۳ مدل پژوهش را در حالت معناداری (آزمون تی) نشان می‌دهد.



Chi-Square=285.96, df=82, P-value=0.05161, RMSEA=0.0697

شکل ۲: برازش مدل در حالت ضرایب استاندارد



Chi-Square=285.96, df=82, P-value=0.05161, RMSEA=0.0697

شکل ۳: برازش مدل پژوهش در حالت معناداری (آزمون تی)

همانطور که در شکل ۳ نشان می‌دهد، در همه مسیرها مقادیر بدست آمده از ۱,۹۶ بزرگ‌تر هستند. در نتیجه ضرایب مسیر به دست آمده معنادار هستند. همچنین در جدول ۶ ضرایب مسیر و مقدار تی هر یک از متغیرها بیان شده است.

جدول ۶: ضرایب مسیر و آماره تی

ردیف	سازه	نام متغیر	ضریب مسیر	T	نتیجه آزمون
۱	محیط درونی	واحدهای داخلی و ساختار دانشگاه	۰,۸۳	۸,۹۳	قبول فرض
۲		اهداف و رسالت دانشگاه	۰,۸۳	۶,۲۲	قبول فرض
۳		مدیریت و رهبری	۰,۷۲	۷,۵۶	قبول فرض
۴		ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی	۰,۷۷	۶,۴۰	قبول فرض
۵		ساختار سازمانی	۰,۷۱	۸,۹۳	قبول فرض
۶	محیط بیرونی	تجاری سازی	۰,۷۳	۹,۱۰	قبول فرض
۷		قوانین و مقررات	۰,۸۱	۵,۳۸	قبول فرض
۸		ارتباط با صنایع و نهادهای مالی	۰,۷۲	۷,۴۵	قبول فرض

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول بالا می‌توان بیان نمود که عوامل محیط درونی و عوامل محیط بیرونی و زیر مقولات آن را می‌توان به عنوان ابعاد دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی در نظر بگیریم.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پاسخ به سوال اول می‌توان بیان نمود که دو مقوله اصلی محیط درونی و محیط بیرونی و ۸ مقوله فرعی واحدهای درون دانشگاهی، رهبری و مدیریت، اهداف و رسالت دانشگاه، ساختار سازمانی و ویژگی‌های کارآفرینانه، قوانین و مقررات، تجاری سازی و ارتباط با صنایع و نهادهای مالی شناسایی شد. در پاسخ به سوال دوم پژوهش باید بیان نمود که در صورتی که قدر مطلق آماره تی از ۱,۹۶ بیشتر باشد ضریب مسیر آن در سطح ۹۵ درصد معنادار خواهد بود. اثرات عوامل واحدهای داخلی و ساختار دانشگاه (۰/۸۳)، اهداف و رسالت دانشگاه (۰/۸۳)، مدیریت و رهبری (۰/۷۲)، ویژگی‌های کارآفرینی منابع انسانی (۰/۷۷) و ساختار سازمانی (۰/۷۱) بر عوامل محیط درونی محاسبه شده است که مقادیر t بزرگ‌تر از ۱,۹۶ می‌باشد. همچنین اثرات تجاری سازی (۰/۷۳)، عوامل قوانین و مقررات (۰/۸۱)، عوامل ارتباط با صنایع و نهادهای مالی (۰/۷۲) بر عوامل محیط بیرونی محاسبه شده است که مقادیر t بزرگ‌تر از ۱,۹۶ می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۰,۹۵ فرض صفر آماری مبنی بر عدم وجود ارتباط معنی دار

رد می‌شود و بر این اساس می‌توانیم عوامل محیط درونی و محیط بیرونی و زیر مقولات آن را به عنوان ابعاد دانشگاه کارآفرین با رویکرد تراز انقلاب اسلامی در نظر بگیریم. همچنین نتایج بررسی‌های صورت گرفته در خصوص برآزش مدل نشان داد که مدل بدست آمده از برآزش مناسب برخوردار است. هر چند در تحقیقات گذشته، مواردی که به طور جامع به این موضوع بپردازد یافت نشد اما تحقیقات خاص در خصوص الگوی دانشگاه کارآفرین پرداخته بودند. بولدورینو و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی در زمینه آموزش کارآفرینی از طریق مدل‌های کارآفرینی موفق در موسسات آموزش عالی انجام دادند. یافته‌های آنها تأکید کردند که اگر مریان می‌خواهند کارآیی آموزش و پرورش متمرکز بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی را بهبود بخشند، برنامه‌های تحصیلات تکمیلی باید متفاوت برای دانشجویان تجاری و غیرتجاری طراحی شوند، زیرا مطالعه داستان‌های کارآفرینی موفق تأثیر متفاوتی بر این دو گروه دارد. بارال و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر محیط دانشگاه بر تمایل به کارآفرینی در دانشگاه‌های خصوصی و عمومی" به شناسایی تفاوت محیط دانشگاه‌های خصوصی و عمومی و تأثیر آن بر تمایل به کارآفرینی پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه مذکور نشان داد که دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی تمایل بیشتری به کارآفرینی دارند. اشتهاودی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان "رهبری و حکمرانی دانشگاه کارآفرین در ایران" بیان نمودند که یکی از محورهایی که نیاز است در دانشگاه کارآفرین مدنظر قرار گیرد رهبری و حکمرانی است. نتایج نشان دادند که در بین پنج دانشگاه مورد بررسی تنها در دانشگاه امیرکبیر می‌توان جایگاه کارآفرینی را در راهبرد دانشگاه به وضوح مشاهده کرد. در هیچ یک از دانشگاه‌های مورد بررسی، هنوز سند راهبرد کارآفرینی به مرحله اجرایی نرسید. در دانشگاه امیرکبیر، مرکز توسعه فناوری و نوآوری، یک سازمان مدیریتی است که مسئول هماهنگی و یکپارچگی فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاه است. در دانشگاه کاشان، صنعتی شریف و علامه طباطبایی این مسئولیت به ترتیب به شورای فناوری، شورای مدیران پژوهش و کمیته کارآفرینی و هدایت شغلی دانشگاه تفویض شد. خودمختاری و استقلال عمل دانشکده‌ها و واحدهای دانشگاه در دانشگاه‌های مورد مطالعه بسیار محدود بودند. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش بولدورینو و همکاران، بارال و همکاران و اشتهاودی و همکاران می‌توان بیان نمود با نتایج پژوهش حاضر همراستا می‌باشد. پیشنهاد می‌شود با توجه به یافته تحقیق در خصوص عامل مدیریت و رهبری دانشگاه، مدیریت عالی و ارشد نسبت به اتخاذ راهکارهای مؤثرتری برای تبدیل دانشگاه به دانشگاه کارآفرین اتخاذ نمایند. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

- در سطح کلان درخصوص اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات تصویب شده، آموزش عالی و درپی آن مؤسسات آموزش عالی با مطالبات جدی‌تر و بیشتری روبرو باشند و نظارت بیشتری در خصوص اجرای مصوبات اعمال شود.
- تغییر دادن رفتارهای تثبیت شده دشوار است به ویژه در سطح کلان که مدیریت از به چالش کشیده شدن می‌هراسد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود بحث فرهنگسازی جدی‌تر گرفته شود.
- در سطح کلان آموزش عالی سیاست‌های هدفمندی در خصوص تجاریسازی و ارتباط با صنایع تدوین و لازم‌الاجرا در نظر گرفته شود.
- همچنین پیشنهاد می‌شود برای انگیزه دادن به منابع انسانی دانشگاه، سیاست‌های تشویقی بیشتر برای اجرای سیاست‌های نوآورانه و کارآفرینانه دانشگاهی تهیه و اجرا شود.
- در امر مشارکت مؤسسات آموزش عالی در امر کارآفرینی و اشتغال باید بر ایجاد مراکز رشد دانشگاهی، شرکت‌های دانش بنیان تأکید شود.
- در زمینه مالکیت معنوی ایده‌های دانشگاهی و تحقیقات انجام شده باید سیاست‌های مدونی و روشنی را در پیش گرفت. پیشنهاد می‌شود منابع انسانی دانشگاه در سود حاصله از درآمدهای تحقیقاتی دانشگاه سهیم شوند.
- برنامه‌های درسی با نیازهای اصلی دنیای کار و اشتغال همسو شود.
- منابع انسانی دانشگاه باید درخصوص تولید ثروت و بازاریابی خدمات حاصله از تخصص خود آموزش لازم را ببینند.
- پیشنهاد می‌شود تحقیق جاری در دانشگاه دیگری با تعداد نمونه آماری بیشتری اجرا شود تا با بررسی بیشتر عوامل یافت شده نسبت به تأیید دوباره مدل اقدام شود.

محدودیت‌های پژوهش

انجام پژوهش ترکیبی که مستلزم گردآوری داده‌های کمی و کیفی است، به خودی خود نسبت به پژوهش‌های تک روشی زمان و انرژی بیشتری را می‌طلبد. در این پژوهش نیز با توجه به اینکه از طرح پژوهشی ترکیبی استفاده شده است. این مسأله نیز باعث شد زمان و مراحل انجام پژوهش طولانی‌تر شود. کمبود منابع اطلاعاتی در رابطه با برخی از متغیرهای مطرح در این

پژوهش به ویژه در منابع لاتین باعث شد وقت زیادی صرف جستجو و بررسی انواع منابع شود. در عین حال پژوهشگر تلاش نمود با بررسی منابع مشابه و برقراری روابط نظری بین مفاهیم مختلف این مشکل را تاحدی حل نماید.

منابع

- امیدوار، م، (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر استقرار دانشگاه کارآفرین بر مبنای روش فراترکیب. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دهقانی قهفرخی، م؛ اخروی، ا، (۱۳۹۸). شناسایی شاخص های دانشگاه کارآفرین به عنوان نسل سوم دانشگاه ها، سومین کنفرانس بین المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، انجمن تعالی کسب و کار ایران.
- زمانی، م؛ خلیج، م، (۱۳۹۹). دانشگاه پیام نور و افق آموزش ترکیبی در آینده، دو فصلنامه صنعت و دانشکده سال دوازدهم، شماره های ۴۳ و ۴۴، صص ۱۳-۲۹.
- اشتهاردی، م؛ گودرزی، م؛ قربانی، م؛ فخرموسوی، ا، (۱۳۹۸). رهبری و حکمرانی دانشگاه کارآفرین در ایران. سومین کنفرانس ملی کارآفرینی. تهران.
- صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- غفوری، ر، (۱۳۹۷). بررسی تاثیر قابلیت های استراتژیک بر شکل گیری دانشگاه کارآفرین (مطالعه موردی: دانشگاه ارومیه). ارومیه: دانشگاه ارومیه، دانشکده اقتصاد و مدیریت.
- منصوری، ع؛ جلیلیان، ن؛ زنجیرچی، م، (۱۳۹۸). ارائه مدلی جامع از عوامل موثر بر تحقق دانشگاه کارآفرین در کشور، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت صنعتی، یزد، دانشگاه یزد - انجمن علمی مدیریت صنعتی ایران،
- نامجو، ع، (۱۳۹۹)، مروری بر انقلاب اسلامی و دانشگاه کار آفرین، کنفرانس ملی مؤلفه های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب، مشهد.
- Azizi, M., & Shafizadeh, E. (2013). Entrepreneurial university, necessity, features and requirements. *Social Studies*, 4 – 45.
- Barral, M. R. M., Ribeiro, F. G., & Canever, M. D. (2018). Influence of the university environment in the entrepreneurial intention in public and private universities. *RAUSP Management Journal*, 53(1), 122-133
- Boldureanu, G., Ionescu, A. M., Bercu, A. M., Bedrule-Grigoruță, M. V., & Boldureanu, D. (2020). Entrepreneurship education through successful entrepreneurial models in higher education institutions. *Sustainability*, 12(3), 1267.
- Dalmarco, G., Hulsink, W., & Blois, G. V. (2018). Creating entrepreneurial universities in an emerging economy: Evidence from Brazil. *Technological Forecasting and Social Change*, 135, 99-111.
- Dizaji, M., & Zeini, M. (2018). The effect of university education on the development of women entrepreneurship skills. *Technology Development Quarterly*, 15(57).
- Etzkowitz, H. (2003). Innovation in innovation: The triple helix of university-industry-government relations. *Social Science Information*, 42(3), 293-337.

- Etzkowitz, H. (2014). The entrepreneurial university wave: From ivory tower to global economic Engine. *Industry and Higher Education*, 28(4), 223-232.
- Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). The dynamics of innovation: From national system and “Mode2” to a triple helix of university-industry-government-relations. *Res Policy*, 29,109-123.
- Gibb, A. (2012)“Exploring the Synergistic Potential in Entrepreneurial University Development:Towards the Building of a Strategic Framework”. *Annals of Innovation & Entrepreneurship*3,1-21.
- Hosseini, R., Tabatabaeian, K., & Godarzi, R. (2018). Academic entrepreneurship development framework in the humanities in Iran. *Entrepreneurship Development Quarterly*, 11(4).
- Keykha, A. (2018). Critical approach to entrepreneurial university. *Proceedings of the Second National Conference on Entrepreneurship at Sharif University of Technology [in Persian]*.
- Klofsten, M., Fayolle, A., Guerrero, M., Mian, S., Urbano, D., & Wright, M. (2019). The entrepreneurial university as driver for economic growth and social change-Key strategic challenges. *Technological Forecasting and Social Change*, 141, 149-158.
- Küttim, M., Kallaste, M., Venesaar, U., & Kiis, A. (2014). Entrepreneurship education at university level and students’entrepreneurial intentions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 110, 658-668.
- Okati, H., Pourkiani, M., Abbasi, F. B., & Rad, N. F. (2020). Educating a New Entrepreneurial University Model in Islamic Azad Universities in Sistan and Baluchestan Province. *Revista Tempos e Espaços em Educação*, 13(32), 1-17.
- Peer, V., & Penker, M. (2016). Higher education institutions and regional development: A meta-analysis. *International Regional Science Review*, 39(2), 228-253.
- Ratten, V. (2017). Entrepreneurial universities: The role of communities, people and places. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 11(03), 310-315.
- Sadeghi, F., Moharati, Y., & Khorakian, A., (2018). Investigating the impact factors on university preparedness to become a university with entrepreneurial features (case study: Ferdowsi University of Mashhad). *Technology Development Quarterly*, 55, 43-53.
- Sánchez-Barrioluengo, M., & Benneworth, P. (2019). Is the entrepreneurial university also regionally engaged? Analysing the influence of university's structural configuration on third mission performance. *Technological forecasting and social change*, 141, 206-218.